اعلىادى جانى حقوق بىشىر

....

، از آنجا که شرزامراوی جیشیت ناشتی کماییه ٔ اعضرای خانواده مبشروی و حقوق تیکسران و ارتخال زامپذیر آزان امراس ازادی و عدالت و صراح را در جران نششک یل چیدهد

الز آنچا کہ چم ٹرزامراوی و تحقیق بیٹر بزنتھی بہ انجال وجرٹریازہای گردیو۔ اس کہ روح بیٹررویت را بنجسریان وانائریت و طور نرزیاوی کہ در ان اندراد بیٹرر در بیٹران و بخویدہ آزاد و از ترس و منحقر خارخ بیائرزیز بینچیزون بیال:تروین آبال بیٹرر انجام شردہ است

ءاز آنجا کہ اساس عقوق انسانی را بناید بنا اجرای قانون عہایت کبرد تنا بیٹرر بنغزوان آغرین غلاج بنقریام بنر خزید ظلم و فیشار مجہور نگدرد

،از آنجا کے اساس) لیازم است شوسع، روابیط دوستان، بنین ملل را جورد ششرویق قرار داد

الز آنچا که بردم لملل بنتح انبهان غیرد را بسوئیرق اساسری بستیر و بقیام و ارزش فسرد ازساری و شماوی عثیرق برد و زن جهدنا در جنشیر الجلما کردهان د و تصریح مرابع گرفتخان که به پسیشرفت اجتماعی کمیک کنزید و در ججیطی الزانش و نماوی عثیری بسویرد آورزید

، از آنجا کہ دول عضرو چتعبد شدہان۔ کہ احترام جہازی و رعایت واقعی حقوق بیشر و آزادی،ای اساس، را بیا ہمکیاری سازبان لمیل میتجد شامین کیزن۔

،از آنجا کـه حبرن شغناهم مِثرشترکـدی زمربـت بـاوین حقوق و آزادیءا بـبرای اجرای کـامل اون شـّعد کـمال اهبیت را دارد

اچتماع این الجالبویه را ناتیها در د. زفتر نائریته بدر زنتر نائریته بادرید در مجاهدت کمنزید که سوسریولیداً نخواهیم و تعربیویت اچترام این حقوق و آزادیها نئوسچ تباسد و سا تنداسهور نشروی بلدی و سوسرالطبلدی، نمزناسرایزی و جهانی آزاد، چه در جهان خرد طبل چخرو و چه در سون جردم کمشرورهایزی که در قبلجو آزاد بها جهانیزی، منافعین که در قبلجو آزاد بها منافعی که در قبلجو آزاد به در منافعی که در قبلجو آزاد کمی کند در منافعی که در قبلجو آزاد که در منافعی که در قبلجو آزاد کمی کند در منافع کمی کند در منافع کند کند که در منافع کند که در منافع کمی کند در منافع کمی کند در منافع کمی کند در منافع کمی کند در منافع کند کند کند که منافع کمی کند در منافع کند کرد.

بسایم افسراد بیشرر آزاد بیدزی ا جهایزی و از اریاظ حیشتیت و حقوق بها هم بهرامبرزد. هم دارای بخل و وجان جیمباشرند و ساید زمینیت بعیکمدیگیر بها روح بهرامری رفعتار کمیزید

مادهٔ ده م

هر کس بهنتوان بمون هرچگون شهایز خصورصا از چیک زژاد زرگ. چرب زمیان بذهم. فیزیدهٔ سریاس و ا فر فیزید تیکر و هیچنین بلیت، موهن انجتهای، شروت رالت تیا هر بوقیجت دیگر، از شهام چروق و کملیها آزادیهایتیک، در اطابهیه تکدر مختبر ثربه است. سرهاید گمردد

بدیناوه همچ تندیجویندی بدینل زخواند آبد که مبینتری بدر وضرع مریمامری، اداری و فرخایری تا محوزالبلذی کشورر تما مرزومیزی بنائید که شرخیس بدیان تنطق دارد؛ فردا این کشور جربنتول، شود بنائید

ماده سوم

.هر کس حق ززنگی، آزادی و اجزیت شخصری دارد

ماده چمار م

احدی را زچینتوان در ببرنگدی زگاهداشت و داد و سرنند ببرنگان بنجر شکماری کمه بباشید مهیزوع است

ماده ينجم

اجدی را زیریشوان شحت شکنجه یا مجازات یا رفستاری قرار داد کمه ظالبهازه و بیا سر غلیاف ازمرازیت و شریمین مبشرری بیا جوهن سیاش

ماده ششم

هر کس حق دارد که شخص،یت حقوقیی او در همهجا بهغیران یک انهران در مقالبل قانیون شریزاخته شود.

ادهٔ هفت

. هم در برامر و اوزون مهارای همینترد و خی داروند بمدون تسهیمهند و بالدیروید از جاونت قازون برخوردار شروید . هم چی داروند در بیال هر تسهیمهندی کمه ناقیص افخارهه چاهدر بازادر و ایران بسرهای تنهد در سازی و از جاوت قازون برخوردار شروید .

ماده هشتم

. در برابر انجالی که چقرق ابرابری ضرد را چرود شخاوز قرار بدهد و آن چقرق موسریله قانون ابرابری یا قانون دیگری برای او نریاختشره بهائرد، هر کس حق رجوع پوشر مهیچاکم چلی صالح، دارد

ماده نمم

احدی زمیشواند خودسرران، شوق یف - حبس یا شبعید بشود

ماده دهم

هر کس بنا مهراوات کنایل مخ دارد که دیراویش میومرویل، دانگا، مهرشتول و بدوطرفت، بزمیرفسازه و کیارز ارمزینگش بشرود و چزین دانگاهی دربناره څروق و الرامات او بیا هر انتجام جزاوین که بنانو شوم پدیدا کدره میاشد ایشتان ایشتان استمریتهم مینهاوید

ماده کاز دهم

رهر کس که به بوزهکاری متم شرده باشرد بنوگرناه مچروب خواهد شرد شا وقت یکم در جریان تیک دیجرای جمورش که در آن کماری تخریدینهای لبازم بنرای بشاع او شاهین شره بباشرد شوهریزیر او قرانیزرا مجرز گردند

هرپیکس بدران ازنوام ویاس که در بوق ارتکاب، آن چل سیوپ چلوق بلی وا سروالبلذی پرم تریافخته زمینزیه است میکنوم زخواند ثرد. بسیمین طروق هیم وچازاتش تردیمزد.

ماده دوازدهم

اچن بر زرندگس خمروهری، ایور خانوانگم، قابلتگا، ما بیکنتبیات خید، زمیامیه جررد جاطیمهای مجدسوان، وقوع نمرد و مرافعت و اسهر و رمهیش زمیاده جرد و جام قرار گدورد. هر کسن چل دارد که در برقابط ایرنگدرد، باطیات و جالت بورد جرایت قانون قرار گدورد

ماده سيردهم

هر کس حق دارد که در داخل هر کشروری آزادان، عیمور و مرور کنزد و محل اقامت خود را ازتخاب زیمای

هر کس حق دارد هر کشروری و از چهله کشرور غود را شرک کنزد یا سه کشرور غود ساز گدردد

ماده چهار دهم

هر کس حق دارد در بیرابیر تعقویب شکنجه و آزار پیزاهگاهی جهرینجر کنزد و در کشرورهای دیگر پیزاه اختیار کنزد

ىر بوردى كىم ئىخۋى،ب واۋع) جېدئىزى بېچرم غېوبى و ئېزىرىياس، يا رفىشارىغان، مۇالىف بىا اصرول و جۇاھىرد لېلى جېنچد بىائىرد. زېمېشوان از ايىن چق استىشاد، زېود

مادهٔ بهانزدهم

هر کس حق دارد که دارای تابعیت باشد

اجدی را نجیتوان خودمردان، از تابعیت خود یا از حق تغیمیر تابعیت محروم کمرد

ماده ٔ شانزدهم

. هر زن و چد بداینچی چی تارید بدون همیچگیری، چهردیت از زیشر نژانه بلینیت تشمیریت تیا چنب بنا همیمگر زنانروری کنزن و ششکیمیل تازیاد هدید. در شهام چنت زناناروری و همگرام از بایال آن زن و نروهر در کمانیه امور برسوط مازدوای داران یخوف بستاری

ازدواج باید بیا رضایت کیالمل و آزادانهٔ زن و مِرد واقع شرود

غازواده رکمن طنهنیچی و امراس، اجتماع امریت و حتی دارد از عهای تاجیعه و دولیت بجوهبیزد شرود ادار در در

ماده هفدهم

هر شخص مزفردا یا ببطور اجتماعی حق مالکسیت دارد

احدی را زجینتوان خودسرران، از حق مالکسیت محروم زجود

ماده هی جدهم

هر کس چن دارد که از آزادی فنکدر وچان و بذهب سعرهمیزد ثرود . امین حِق مېتخرېن آزادی شځویز بذهب یما څخینده و همچیزین بېتخرېن آزادی المطار ځیویه و امیهان پېديانه و زیونر ثرابل تځایمېات بذهبې و اچران براسې دیوزی است. هر کس چینتواڼه از این څځوی چینخون تا وچیترخ اسخور څهروهمری یما سخور خورومری دلما تروزدهم

. صحب حق الزادی عقیمه در سیمان دارد و حق بزیمور شمایل آنیمیت کمه از دائریتن عقامه غیرد سیم و اضطراسی زدائریته ساشه و در کسرید اطلاعات و انسکنار و در افخ و اینتشرار آن بستنهام وسائیل مهکن و سعون لمباطلات جزری الزاد ساشه

ماده ٔ بىرستم

هر کس حق دارد آزادان، مجامع و جمعیتمای میںالجنامیز نشرک یل دهد

.هیچکس را زېږيئوان مچېور بېڅرکت در اچئماعي کود

مادهٔ بایست و یکم

هر کس حق دارد در اداره لیور عهوچی کشرور خود، غواه چینتقیمها و خواه سها وساطت زیمایزدگمازی کـه آزادازه ازبتخاب شرده سهائرزد شرکت جوید

. هر کس حق دارد ب ا تسماوی شرایط، بمیشاغل عبوجی کشرور خود زایل اید

اسراس و جزش آ قبرت چکوچت، اراده برام است، این اراده ساید میوسریولیه این خابسانتی امیراز گردند کمه از روی میراق ت و میطور ادراری میروث پیشیرد. این خابسات ساید چیوبی و بنا رخابیت جیراوات بنائرد و بنا رای وخیسی یا طریقهای زختی از این کمیرد کمه از این را بد وادا میمیرد و نوم

وه چهرت و نوم

هر کس سخیدان چنور اچتاج چن ایزیت اچتهاچی داره و میزاز است سوسیقد چهای بلیدی و هیکداری سخیارالبلدی چیزی قیتسمیای و اجتهاجی و فدوهنگشی چرد را کسد للزم؛ قیام و زمیرد از افازه شریحسیت او است بها ریجانت تشکیکسالت و میزامیج هر تحقیرور سیدیت آورد

مادهٔ سیست و سوم

هر کس حق دارد کنار کنزد، کنار خود را آزادازه ازمنخاب زیهای، تررایط جنصرفنازه و رضایت بسختری بسرای کنار غراموشار بسائرد و در فیمانیل بسیمکناری بورد حهایت قرار گندود

هبه حق دارزد که بندون هیچ تبځیض، در چالبل کبار مهراوی، اچرت مهراوی دریافت دارزد.

هر کس کده کدار میکندند میزد میزمین به و رضایت سیختری نفویتی هیئردد کد ززیگس او و نارتوادانش را بوانست فریمین انهایان شاهد و نارت از در صورت ارزیر بدا هر زیرع وسرایتان دیگر چهایت اچتماعی تشکمیتی نهاید

هر کس حق دارد که سرای دفاع از منافع خود با دیگیران اشحادی، تشرکه یل دهد و در اشحادی، از رکت کارد.

ماده ٔ بسیس و چوارم

هر کس حق استنزاحت و ضراغت و تنضری دارد و بهخصروص بهرجودیت مخقول سراعات کمار و هرخصریهای ادواری بها اغذ حقوق ذیریق جیمیاشد

ماده ٔ سیست و پنجم

مادهٔ بسیست و ششم

هر کس چل دارد که از آبوزی و پرورش سرخمین شرد. آبوزش و پرورش لاولل تنا چردی که جربموط بستجاییات البختاوی و اربازی این بنایه چان باشاره. آبوزش اینجناوی و اربازی تنا

ی هایت شود که شرخیریت ایربازی هر کس را بیج اکتبل رفید آن برمربازد و اچترام چلوق و آفزدیای بیشر را نشوریت کنن. آنیزش و پرورش بیاری چین تخاهم، گذشیت و اچترام چلانه و برمیتن بیمن شام بلل و چیخیتنای نژادی تا بذهبین و هیچنین نتوریخه خیالیتنامی بلل بنج را در راه چلنظ میلیج شمیلی

پدر و مادر در ازنخاب زوع آموزش و بهرورش فسرززدان خود زمریبت سدیگسران اولـویت دارزد

. هر کس حق دارد آزادازه در ززدگدی ضرهزگدی اجتماعی شرکت کنزه از فخرون و هزرها متمهتاع گدرد و در چیمشروفت علمچی و فخواید آن سرمیم مباش.

.هر کسس حق دارد از حبایت مزافع میجزوی و مادی آشار غلجی، فسرهنگسی یا هزری نجود سبرخیردار شرود

. ادهٔ بهیمرت و هشتم

هر کس حق دارد میرقراری نظمی را میخواهد کمه از لرطظ اجتماعی و میمینالجلس حقوق و ازادیهای را کمه در این اغمایی، نکسر گمردیمه است تنامیمین کنند و آزما را میمیورد عیل میگذارد

مادهٔ بخست و نهم

. هر کس در جقانبل آن جامعهای وظنیف، دارد کسه رش: آزاد و کسامل شخصریت او را میمبرر سازد.

هر کس در ایران څیزی و امینتخانه از اؤادیبای څرد شوط شامیم چردویتخاویموټ که موردیکها قارنون چنچمرزا مینونشور شاچین فرزامارای و جراچات څیری و و اوادیهای دیگذران و سرای رخایت بریتخیریات مرچیری اظافرای و رضاء هیگذاری در امراوید

این حقوق و آزادی.ها در همیچ هوردی زجیخوان: سبر غلاف جقاص: و اصرول لمبل متح اجرا گدرد.

ماده سیام

هرپورک از بؤورات اغلبوم چاندر زمباوید طوری تخسیور شرود کدم مېتخبرين چؤی سران دولت ی با چرچيت ی ا دا در ان راه فخالديت به بناولد: